کاوشی در رفتارهای انتخاباتی جامعه

چرا غافلگیر می‌شویم

تقی رحمانی

به نظر می‌رسد که اصل غافلگیری از ویژگی جامعه ما شده است، به طوری که هرازگاهی مردم، حاکمیت و روشنفکران را غافلگیر می‌کند. اصل طلایی غافلگیری برای دشمنان، بسیار حیاتی است، اما اگر غافلگیری در میان دولت ـ ملت و روشنفکران برقرار شود، آنگاه باید به حال آن جامعه یعنی مردم و روشنفکران و دولت تاسف خورد. چرا که غافلگیری و غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارها، در دنیای مدرن که همه چیز در قالب پیش‌بینی و برنامه‌ریزی چندساله قابل تصور است، در حقیقت نقص بزرگی است. اما اینکه در نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران همه غافلگیر شدند حتی آنان که پیروز صحنه انتخابات بودند، شناخت این وضعیت توجه بیشتری می‌طلبد تا در شناخت برخی از رفتارهای انتخاباتی در جامعه خود هوشیار باشیم و تا حدی رفتارها را قابل پیش‌بینی کنیم. از سوی دیگر باید در نظر داشته باشیم پیروزی در انتخابات به معنی موفقیت در تحقق اهداف نیست. چون مردم در عمل سلبی رای می‌دهند، یعنی برای نفی یک طرف، به طرف مقابل رای مثبت می‌دهند. با توجه به مقاطعی از تاریخ معاصر ایران این نوع رفتار انتخاباتی قابل مشاهده و ردیابی است. از همین روی کاویدن در رفتار کلان انتخاباتی در جامعه ما: ۱ ـ در وضعیت غیراجماعی در جامعه و همراه با انفعال نسبی (وضع جناح‌بندی و دسته‌بندی) ۲ ـ وضعیت اجمالی و حالت برانگیختگی جامعه (سیر بلوک‌بندی شده) امری ضروری و راهگشا است. در بررسی دو وضعیت مزبور عملکرد حاکمیت ـ مردم ـ روشنفکران با توجه به چند فاکتور مهم مانند الف ـ میزان مشارکت و نحوه مجاب کردن ب ـ قدرت رسانه‌ها و مراجع مورد اعتماد مردم پ ـ صف‌بندی بلوکی یا جناحی ت ـ جغرافیای شهر و روستا و حاشیه و آرای مردم ث ـ نقش چهره‌ها و کاندیداها ح ـ نقش روشنفکران و نهاد و احزاب سیاسی ج ـ اقشار اجتماعی و تعیین شعارها خ ـ تحریم یا عدم شرکت و شرکت چ ـ و . . . می‌توانند حقایقی را پیش روی ما بگذارند و به مثابه تجربه برای شناخت رفتار انتخاباتی جامعه باشند.

باید توجه داشت که منظور از شرایط غیراجماعی مواقعی است که همبستگی اقشار اجتماعی در سلب صلاحیت از جریانی است که دچار خدشه یا سرخوردگی شده اما به اقدام واحد و مشترک نرسیده است. تجربه انتخابات اخیر (نهمین انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس هفتم) را می‌توان در زمره این وضعیت دانست. چنین وضعیتی در شرایط سکون و یا سرخوردگی و انفعال رخ می‌دهد که روشنفکران و نخبگان جامعه دچار تشتت یا سرخوردگی از حضور فعال در انتخابات هستند. انتخابات نهم در سال ۱۳۸۴ حاکی از سرخوردگی اقشار جامعه از جریان اصلاح طلب و ناامیدی از بهبود شرایط و شکاف شدید میان باورهای اصلاح طلبان با اقشار مختلف جامعه اعم از دانشجویان و روشنفکران، زنان، قومیت‌ها و اقشار فقیر از اصلاح طلبان بود به طوری که فقط بخشی از روشنفکران و دانشجویان فعال یا با میزان تحرک ناکافی به کنش و فعالیت انتخاباتی پرداختند. چند شکاف فعال در جامعه که از عوامل اجماع در انتخابات ریاست جمهوری هفتم در خرداد ۱۳۷۶ بود این بار همه این گرایشات مایوس و سرخورده از انتخابات بودند و در نتیجه دانشجویان به عنوان به وجد آورنده اقشار مردمی، زنان به عنوان مجاب کننده خانواده به رای دادن، روشنفکران به مثابه نظریه‌ساز شرکت کردن و مجاب کردن دانشجویان، قومیت‌ها به دلیل امید به دست یافتن حقوق بیشتر و اقشار فقیر به امید بهبود بر روی یک کاندیدا برای شرکت در انتخابات نهم مجاب نشدند در حالی که در انتخابات هفتم ۱۳۷۶ این اتفاق رخ داد. در وضعیت غیراجماعی یک راهبرد موثر که خواسته‌ها را بر گرد محور فرد و جریانی بسیج کند وجود ندارد. در نتیجه امکان اجماع بر سر خواسته موثر از میان می‌رود و جریانات و فعالان سیاسی در فقدان بازوهای ارتباطی با مردم توان بسیج مردم را برای شرکت در انتخابات ندارند، در این حالت تلاش‌های «نصفه و نیمه» چندان ثمری نمی‌دهد و حتی نتیجه عمل از نیت عناصر آزادیخواه بسیار متفاوت خواهد بود. در حالی که در شرایط اجماعی شرایط طور دیگری خواهد بود که در بررسی عوامل گوناگون موثر در انتخابات به بررسی حالت اجماعی و غیراجماعی خواهیم پرداخت.

■ مشارکت مردم

انتخابات در فقدان نهادهای صنفی- سیاسی و فرهنگی و قومی، میزان و نحوه مشارکت مردم را به شکل دیگری صورت‌بندی می‌کند. با نگاهی به تجربه گذشته تاریخ معاصر در شرایط غیراجماعی، شرکت ۴۵ تا ۵۵ درصد مردم در انتخابات امری عادی بوده است. در حاکمیت‌هایی که سه عامل برقراری نظم سیاسی در جامعه، تامین منافع حامیان و مشروعیت مردمی به ترتیب اولویت گفته شده، اعمال می‌شود، مشروعیت مردمی نقش ثانوی اما لازم را دارد. این در حالی است که میزان مشارکت مردم که در آمارهای رسمی ثبت می‌شود دارای دلایل ساختاری خاص خود است که در شرایط غیراجماعی امکان تغییر اصولی آن وجود ندارد. این نوع آرا در سایه قدرت‌نمایی حاکمیت در برقراری نظم سیاسی و عواملی چون نیاز مالی و وابستگی شغلی به دولت (آن دولتی که تمام نهادها و ارگان‌ها را در اختیار و کنترل دارد) است.

■ تحریم

تحریم یا شرکت متعلق به جوامعی است که تحریمیان یا شرکت‌کنندگان دارای قدرت اجتماعی تعریف شده هستند که می‌توانند مستقل از رسانه‌های دولتی عمل کنند و قدرت سازمان‌دهی در میان نیروهای خود برای اعلام نظر خویش دارند. به زبان ساده‌تر توان رساندن پیام خود به مخاطبان و پیشبرد دیدگاه خود را دارند در حالی که در شرایط غیراجماعی، تحریم‌کنندگان با توجه به محدودیت رسانه‌ای و تشکیلاتی نمی‌توانند جامعه را به سوی تحریم ببرند. یخ تحریم در شرایطی می‌گیرد که جامعه در حالت اجماع باشد و بی‌اعتمادی به حاکمیت به اوج خود رسیده باشد و به عنوان راهکار عملی مورد قبول قرار گرفته باشد. در جوامع جهان سومی، تا آخرین لحظات اقشار جامعه ماهیت قلبی خود را نشان نمی‌دهند. از همین روی در شرایط غیراجماعی رای دادن به معنی همدلی با حاکمیت نیست، بلکه یک رفتار منفعلانه و عمیق و نوعی هوشیاری برای بقا در جامعه‌ای است که رفتارهای سیاسی در آن کنترل می‌شود و با محرومیت شغلی و امکاناتی رابطه دارد. تحریم در مواقع اجماعی و حاد جواب می‌دهد و با دادن یک اطلاعیه و طرح محدود و حتی گسترده آن در شرایط غیراجماعی تاثیری تعیین‌کننده ندارد. هر چند رای دادن مردم در شرایطی که قدرت انتخاب دیگری ندارند، چندان نمی‌تواند پشتوانه قوی برای حاکمیت باشد. لذا نباید از این نوع رفتارهای انتخاباتی میزان پایگاه اجتماعی استخراج کرد.

■ عدم شرکت

عدم شرکت با تحریم فرق دارد. تاکتیک عدم شرکت، انتخاب میان بد و بدتر میان تحریم یا شرکت در فرآیندی است که نمی‌داند آخر آن به‌کجاست. در انتخابات مجالس قبل از انقلاب حاکمیت چند نفر را در یک حوزه انتخابیه به رقابت می‌کشاند. این رقابت بازار گرمی ایجاد می‌کرد و کاندیدا با تکیه بر روابط قوی و مذهبی و خاندانی و انواع و اقسام تبلیغات اقشاری از مردم را پای صندوق رای می‌کشاندند و در نهایت در یک فرآیند مدیریتی و هدایت شده، دولت به نتیجه مورد نظر خود می‌رسید. در شرایط اجماعی امکان تحقق چنین فرآیندی با حضور بخشی از اقشار جامعه که تحول‌خواه هستند وجود ندارد.

عدم مشارکت انتخابی از سر ناگزیر است آن هم در جامعه‌ای که (در فقدان احزاب و نهادهای قوی که مردم را در خود متشکل کنند) دارای مسئولیت انتخاباتی نیست. یعنی نظر رای‌دهندگان بسیار زود تغییر می‌کند و آرا دارای اعتبار ارزشی نزد رای‌دهنده نیست. در چنین جامعه‌ای عدم مشارکت، حفظ موضع، دفاع از یکسری ارزش‌ها و همچنین استواری بر روی تحلیل‌های درست است که در آینده حقانیت خود را نشان می‌دهد. عدم شرکت، مشروعیت ندادن به روندی است که در شرایط غیر اجماعی چندان در اختیار جریانات و نیروها نیست.

طرح: شهرام حرم

■ تفاوت انتخابات شورای شهر، مجلس، ریاست‌جمهوری و خبرگان رهبری

از میان چهار انتخابات ادواری در ایران، انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه عواملی که این انتخابات را برای طرف‌های ذی‌نفع حساس می‌کند باعث می‌شود تا همه با تمام امکانات برای جهت دادن به نتیجه انتخابات وارد میدان شوند. انتخابات شورای شهر از برد بسیار کمی برخوردار است. مگر اینکه وجه سیاسی پیدا کند. مثلاً در انتخابات شورای شهر دوم در سال ۱۳۸۱ه ش شرکت‌کنندگان بسیار محدود بودند. اما اگر جامعه در شرایط اجماعی قرار گرفته و به صف‌بندی سیاسی رسیده باشد، در آن موقع است که میزان مشارکت در این انتخابات در شهرهای بزرگ بالا می‌رود. در انتخابات شوراهای شهر دوره اول در سال ۱۳۷۷ ه. ش. چنین اتفاقی افتاد، در نتیجه مشارکت بالا رفت. انتخابات خبرگان نیز مشارکت کمتری را در خود دارد. میزان آشنایی مردم با این مجلس محدود است. لذا انتخابات خبرگان رهبری و شوراهای شهر نمی‌تواند معیار وزن‌کشی جریانات و جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی جامعه باشد. اما در شرایط گوناگون یعنی اجماع و غیراجماعی جامعه، انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری شکل خاص خود را می‌یابد. مشارکت ۷۹ درصدی انتخابات هفتم ریاست‌جمهوری تا مشارکت ۵۰درصدی انتخابات مجلس هفتم نشان‌دهنده این ادعای ما درباره این دو انتخابات است. در سال‌های آینده مناسبات جهانی به شکلی است که نیاز به مشارکت بیشتر مردم در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و حتی خبرگان رهبری احساس می‌شود.

■ قدرت بسیج کردن و مراجع مورد اعتماد مخاطبان

در شرایط غیراجماعی؛ مراجع مورد اعتماد از قدرت بیشتری برخوردار هستند. در انتخابات هفتم ریاست‌جمهوری و مجلس به دلیل اجماع همگانی برای شرکت و مخالفت با جناح محافظه‌کار، تشویق به شرکت مردم در انتخابات نتیجه‌اش به نفع محافظه‌کاران نبود. مراجع مورد اعتماد نقش مهمی در ترغیب و عدم ترغیب مردم در انتخابات دارند، اما این مراجع همیشه دارای قدرت بسیج یا عدم بسیج نیستند. نسبت قدرت این مراجع به شرایط اجتماعی بستگی دارد، در فقدان احزاب، نهاد، صنف و رسانه‌های مستقل برای رابطه با مردم، جریانات بیرون از حاکمیت در شرایط غیراجماعی نمی‌توانند پیام خود را به جهان برسانند. همین فاصله موجب می‌شود میان خواسته مردم و خواسته جریانات بیرون از حاکمیت فاصله بیفتد. مشارکت ۴۵ تا ۵۵ درصدی جامعه ما در انتخابات از سال ۱۳۳۲ ه. ش به این سو نشان از واقعیتی به نام عدم موفقیت تحریم در شرایط غیراجماعی می‌دهد. اما شناخت مکانیسم‌های مجاب کردن برخی از اقشار مردم بسیار قابل اعتنا و ملاحظه است.

■ عوامل مجاب کردن

۱- شرکت حامیان و بسیج سازمان داده شده نیروهای وفادار

انتخابات زمان مناسب جولان دادن و بسیج نیروها و ایجاد رابطه‌ها و حل شدن برخی از مشکلات نیروهای حامی است. به نحوی که نیروهای حامی مشتاقانه در انتخابات وارد می‌شوند، چرا که هم در فضای جدید قرار می‌گیرند و هم می‌توانند خواسته‌های خود را به نمایندگان آینده، منعکس کنند. در شرایط غیراجماعی بسیج حامیان در روند برگزاری انتخابات در یک خیابان یک طرفه است که مخالفان امکان و اجازه هیچ گونه اعتراض و اقدام آگاهی بخش را ندارند. چرا که هر اقدام مخالف با برخورد تند مواجه می‌شود. مخالفان شرکت در انتخابات به‌عنوان برانداز، مخالفان وابسته به غرب و . . . تحت فشار قرار می‌گیرند و امکان هر گونه ابراز عقیده و تحرک تاثیرگذار در جامعه را از دست می‌دهند. در شرایط غیراجماعی حتی اینترنت و ماهواره‌ها چندان قدرتمند و تاثیرگذار برای ابراز عقیده و تاثیرگذاری بر مخالفان نیستند. در حالی که حامیان به دلیل منافعی که دارند بر مشارکت بیشتر تلاش فوق‌العاده می‌کنند.

۲- فضاسازی

جوسازی و فضا ایجاد کردن و جامعه را در موقعیت انتخاباتی قرار دادن به وسیله تمام وسایل ارتباط جمعی رسمی در مجموع تاثیرگذار است. در شرایط غیراجماعی جوسازی و فضاسازی به نفع جناح قدرتمند تمام می‌شود که وسایل ارتباط جمعی و غیره را در اختیار دارد.

۳- مجاب کردن مردد ها

در شرایط غیر اجماعی و فقدان احزاب و نهادهای فراگیر، اقشار مردد برای شرکت یا عدم شرکت در جامعه وجود دارند که با توجه به فضا و جوسازی در جامعه، برای شرکت و یا عدم شرکت مجاب یا مخالف می‌شوند. مجاب کردن مردد‌ها به وسیله مراجع قابل اعتمادشان صورت می‌گیرد. منابر مذهبی، رسانه‌های مراجع، شخصیت‌های مورد اعتماد در مجاب کردن مردد‌ها در شرکت و عدم شرکت نقش دارند. لایه‌های پنهان برای مجاب کردن فعالان و نخبگان در انتخابات وجود دارند، مانند دادن پول‌های نقدی و وعده وعیدهای مقام و امکانات مادی. فعالان ستادی کاندیداها در شرایط غیر اجماعی از این قبیل افراد هستند.

۴- ترس و اجبار

دولت در جوامع جهان سومی مداخله‌گرا، هدایت‌گرا کنترل‌گر است. وابستگی کارمندان و کارگران در سطوح مختلف، بدون حمایت صنفی نهاد مدنی، همیشه مشارکت اقشاری در انتخابات از سر ترس و اجبار را عملی و الزامی می‌کند.

■ نقش شکاف‌ها و تضادها در انتخابات

جامعه ما دارای شکاف‌های مهمی مانند درویش و غنی، قومیتی، استبداد و آزادی جنسیتی و آزادی‌های مدنی است. همسویی پنج شکاف فعال در ایجاد واقعه دوم خرداد ۱۳۷۶ ه. ش بسیار موثر بود. شکاف استبداد و آزادی که در قلمروهایی مانند آزادی بیان، عقیده و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در جامعه ما رخ می‌نماید، مورد توجه روشنفکران و دانشجویان و اقشار وسیعی از طبقه متوسط قرار گرفت که اصولی‌ترین شکاف در کنار شکاف درویش و غنی است. این دو شکاف می‌توانند زمینه مثبت یا منفی برای انحراف یا نحوه طرح درست شکاف‌های مزبور باشند. مسئله قومیت‌ها و احقاق حقوق انسانی و اجتماعی آنان از موارد مهم در جامعه ما است که چالش برانگیز است و در شرایط اجماعی و غیراجماعی رویکردهای متفاوت در آن وجود دارد. عدالت جنسیتی از مقولات در شرف طرح بیشتر در جامعه ما است، عدم برابری حقوق زن و مرد در قوانین، عرف و باورهای جامعه ما، چالش‌برانگیز است. حضور فعال زنان در عرصه‌های گوناگون این چالش را افزون می‌کند.

آزادی‌های مدنی و آزادی‌های شخصی و فردی در جامعه جوان ما معضل دیگری است که مدام به واسطه برخی سیاست‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند. پتانسیل جوان جامعه خواهان اعمال سیاست‌های توام با آزادی مدنی و رعایت حقوق شهروندی است. در شرایط اجماعی این خواسته‌ها در امتداد بسیج خواسته‌ها و مطالبات دیگر قرار گرفته و قدرتمند می‌نماید، به گونه‌ای که تبدیل به یک وزنه مهم برای حمایت از یک کاندیدا و جریان طرفدار آزادی می‌شود. شکاف درویش و غنی یا شکاف طبقاتی از مواردی است که آزادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. مصطلح است که می‌گویند روشنفکران آزادی و مردم نان و امنیت می‌خواهند و در انتخاب میان این دو چون اقشار اجتماعی جامعه افزون‌تر از روشنفکران هستند شعار نان به آزادی در مواقعی که میان این دو شعار باید یکی را انتخاب کرد، توجهات را جلب می‌کند. در نهایی‌ترین تصمیم جامعه در میان تمام شکاف‌های مزبور در شرایط غیراجماعی جانب امنیت و نان را می‌گیرد. در پر کردن شکاف درویش و غنی، مسئله فساد و ناتوانی مدیریت‌ها مطرح می‌شود که توامان دلیل فقر طبقاتی است. در کشورهای صاحب قومیت‌ها، رفتارهای قومی روند پیچیده‌ای است. در شرایط اجماعی امکان طرح و پاسخگویی به خواسته‌های قومیتی براساس محور آزادی و عدالت امکان‌پذیر است. در انقلاب ۱۳۵۷ و در جریان اصلاحات ۱۳۷۶ این همراهی اتفاق افتاد. در شرایط غیراجماعی هر قومیت به مقتضای منافع و دیدگاه خود، عمل می‌کند. در شرایط اجماعی در راستای تحقق شعار آزادی و عدالت می‌توان شکاف‌های دیگر مانند قومیت‌ها، عدالت جنسیتی و خواسته‌های مدنی را نیز مطرح کرد و بلوک واحد آزادیخواهان و عدالت‌طلبان را تشکیل داد. در شرایط غیراجماعی ایجاد چنین بلوک مشترکی وجود ندارد.

■ فعالان، اقشار حامی و انتخابات

سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها، محافل و احزاب، اقشار اجتماعی را در انتخابات مخاطب قرار می‌دهند. در شرایط غیراجماعی، اقشار اجتماعی با توجه به منافع و تحلیل خود به نفع جریانی تمایل نشان می‌دهند. در انتخابات نهم ریاست‌جمهوری در ایران دانشجویان و روشنفکران و تحصیلکردگان و طبقه متوسط به دنبال آزادی بودند، اما در ارائه راهبرد اختلاف داشتند. راهکارهای شرکت فعال، عدم شرکت و تحریم انتخابات. این امر به معنی شکست کامل هر گرایش بود. چرا که با تقسیم شدن این اقشار نتیجه کار مشخص بود. این تفرقه در اقشار دیگر نیز اثر می‌گذاشت به‌خصوص بر جوانان، زنان و قومیت‌ها، چرا که دانشجویان و روشنفکران و تحصیلکردگان طبقه متوسط (کارمند، معلم، مهندس، دکتر و . . .) دیگر به‌عنوان حلقه واسط قدرتمند، با اقشار اجتماعی راه به سوی اقدام مشترک نمی‌بردند، چنین ویژگی در مورد زنان رخ نمود، این تفرقه در شرایط اجماعی رخ نمی‌دهد. در شرایط اجماعی با راهکار درست اقشار متفاوت بالنده جامعه ایران، با همسویی می‌توانند رفتار درست انتخاباتی داشته باشند، اما در شرایط غیر اجماعی رفتار اکثر جوانان در انتخابات تبدیل به یک نمایش و شو انتخاباتی بدون جهت‌گیری می‌شود. اگر اجماع بر روی عدم شرکت یا شرکت باشد، آن‌گاه می‌توان انتظار نتیجه مناسب داشت. میزان آرای طبقه متوسط در ایران در صورت اجماع در انتخابات ۲۰درصد تا ۲۵ درصد است که این آمار در سال‌های آینده بیشتر خواهد شد و می‌تواند ۳۰ تا ۳۵درصد افزایش یابد. این آرا زمانی قدرتمند می‌شود که متحد خود را در میان اقشار مردم بیابد، از این میزان آرا در انتخابات نهم ریاست‌جمهوری ۱۳درصد به انتخابات آمد و ۱۲درصد آن در انتخابات شرکت نکرد.

بخشی از این ۱۳ درصد نیز بسیار دیر در انتخابات فعال شد، در نتیجه نتوانست آرای اقشار دیگر مردم را به سوی خود جلب کند و همچنین شعار اصلاح‌طلبان لوکس بود و جنبه مردمی نداشت و به عدالت‌طلبی بی‌توجه بود. کارنامه اصلاح‌طلبان در هشت سال گذشته در دولت خاتمی مثبت نبود. مجموعه عواملی که اجماع را در میان روشنفکران و دانشجویان و تحصیلکردگان فراهم نکرد در میان اقشار مختلف مردم نیز با اندکی تفاوت مشترک بود. ناامیدی از روند اصلاحات، بی‌اعتمادی و سرخوردگی از اصلاح‌طلبان، شرایط بد اقتصادی و اجتماعی و از جمله این عوامل نامناسب بود. در شرایط غیراجماعی اقشار مزبور می‌توانند به شکل پراکنده در چارچوبی غیراصولی حتی بر خلاف امیال و خواست‌های اقشار گوناگون حرکت کنند، در انتخابات نهم ریاست جمهوری اقشاری که باید به حمایت یکدیگر می‌پرداختند با آرای متفاوت به روندی نامطلوب مشروعیت بخشیدند. نسبت دستاورد اقشار حامی با شکاف‌های فعال جامعه، در پرتو هماهنگی راهبردی قابل تحلیل است که با توافق مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌ها شکل می‌گیرد.

■ سلبی یا اثباتی بودن آرا

مشهور است که مردم ما می‌دانند چه نمی‌خواهند، اما به درستی نمی‌دانند که چه می‌خواهند. این واقعیت در بسیاری موارد در رفتارهای انتخاباتی مردم ما صدق می‌کند. مجموعه عواملی چنین وضعیتی را به وجود می‌آورد و همچنان بازتولید می‌کند. مانند فقدان وضعیت صنفی و حزبی در جامعه در حالی که در شرایط طبیعی خواسته‌ها و مطالبات مردم در شکل صنفی و فرهنگی و سیاسی نیاز به عبور از خواسته‌های کلی به شکل مطالبات مشخص و معین دارد تا بتوان پیرامون آن با ارائه طرح عملی مطالبات برای جریانات سیاسی و دولتمردان تعریف کرد. مطالبات کلان در کنار عملکرد نادرست و غلط مسئولان، شرایط رای سلبی را فراهم می‌کند. اولین نتیجه این گونه پیروزی ایجاد توقع و توهم برای جریان پیروز است. در حالی که این پیروزی به معنی نه به طرف مقابل است، نه تایید و تاکید طرف پیروز. در انتخابات مجلس چهارم نفر اول مردم تهران فردی غیرسیاسی بود که نشان از شرایط جامعه می‌داد. در انتخابات مجلس پنجم فرد مطرح در انتخابات فائزه هاشمی بود که در انتخابات مجلس ششم سرنوشتی تراژیک یافت و مکانی بسیار پایین به دست آورد. در انتخابات مجلس ششم نفر اول مردم تهران برادر سیدمحمد خاتمی بود، اما در انتخابات مجلس هفتم چهره شاخص اصلاح‌طلبان بیش از ۲۰۰هزار رای نیاورد. در انتخابات نهم ریاست جمهوری مجموع رای اصلاح‌طلبان از ۹ میلیون فراتر نرفت، خصیصه این نوع رای دادن بر وجه سلبی نه اثباتی است.

انتخابات نهم نشان داد که ویژگی رای سلبی در شرایط غیراجماعی به عنوان شیوه‌ای تعیین‌کننده حتی اجماع دیرهنگام بسیاری از روشنفکران و جریانات و فعالان سیاسی در حمایت از هاشمی نتوانست ویژگی رای سلبی مردم را منتفی سازد و باعث انتخاب وی گردد.

■ چهره‌ها، گمنامی و خوشنامی و بدنامی و شهرت

همواره شهرت برای پیروزی کافی نیست و گاهی سرشناس بودن نتیجه عکس به همراه دارد. چهره شدن در وضعیت متفاوت، عکس‌العمل‌های متنوع دارد، مهم این است که هر فرد نماینده چه تفکر و عملکردی داشته باشد و مورد حمایت چه کسانی قرار بگیرد. در انتخابات چهره در کنار سازمان و امکانات مالی مهم است. در انتخابات نهم ریاست جمهوری نقش چهره‌ها در برابر سازماندهی و تشکیلات افول کرد. هاشمی، کروبی و مهرعلیزاده و قالیباف و معین از احمدی‌نژاد مشهورتر بودند و حتی سابقه مقام‌های اجرایی بالاتری از وی داشتند. در شرایط معمولی نقش چهره سرشناس در میدان سیاست در ایران مهم است. در فقدان حزب و سازمان قوی، فرد یا افرادی با فراهم آوردن مجموعه‌ای که خود در مرکز آن قرار می‌گیرند نقشی تعیین‌کننده‌تر از سازمان و تشکیلات می‌یابند. تشکیلات کله‌قندی تاریخ معاصر ما موید این ادعا است. این نوع سازمان‌یافتگی در دولت و اپوزیسیون و پوزیسیون یکسان است. نقش دبیرکل احزاب و رهبری سازمان‌ها که در عمل مادام‌العمر یا بسیار طولانی است به نحوی است که گردش معقول رهبران و مدیران را در سازمان و حزب و صنف غیرممکن می‌سازد. رهبری در میان هواداران و نیروهای حزبی و سازمانی نقش محوری‌تر می‌یابد، امکان چرخش نخبگان و شکل‌گیری مدیریت جایگزین به دلایل گوناگون در این مدل‌های تشکیلاتی غیرممکن می‌شود. در پی چنین حالتی نقش چهره‌ها تعیین‌کننده می‌شود، هاشمی رفسنجانی با وجود شکست در انتخابات مجلس ششم، باز بخت خود را در انتخابات نهم ریاست جمهوری آزمود. جناح هاشمی فردی جایگزین وی را دراختیار نداشت تا او بتواند جانشین هاشمی شود و برنامه‌های وی را به پیش ببرد. در رقابت چهره‌ها است که انتخابات ریاست‌جمهوری و حتی مجلس در شرایط غیراجماعی مهمتر می‌شود. تلفیق چهره خوشنام و اجماع جریانات می‌تواند در پیشبرد و انتخاب یک جریان با فرد شاخص موثر واقع شود.

■ زمان و تصمیم‌گیری

اینکه مردم ما در دقیقه ۹۰ تصمیم می‌گیرند، در روز انتخابات در ساعات پایانی بعدازظهر روز جمعه سر صندوق می‌روند، چندان سخن تازه‌ای نیست، اگر این ادعا تا حدی واقعیت دارد، اما همراه با مبالغه است. در شرایط غیراجماعی این حالت بیشتر مصداق دارد، در اوج‌گیری فعالیت انتخاباتی و ورود دیرهنگام سنتی ایرانیان در صحنه که با ویژگی انفجاری برای جبران ورود دیرهنگام خود اقدام می‌کنند سرد بودن فضای اولیه انتخابات و گرمی روزافزون به طور نسبی، نشان از واقعیت غیرقابل پیش‌بینی رفتارها در جامعه می‌دهد، در حالی که هم جامعه سنتی و هم جامعه مدرن دارای رفتاری قابل پیش‌بینی است. در وضعیت قابل پیش‌بینی است که برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری برای آینده امکان‌پذیر است، رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر نمی‌توانند برنامه‌پذیر باشند. اینکه نظم ما در بی‌نظمی ما است و بی‌نظمی هم نوعی نظم است، سخن درستی نیست. ورود دیرهنگام مردم به انتخابات و شروع زودهنگام جوسازی و فضاسازی کاندیداها، تقابل و تعاملی دوگانه را در کنار هم قرار می‌دهد که نتیجه آن در شرایط غیراجماعی به نفع طرفداران آزادی نیست. ورود دیرهنگام و بدون زمینه‌سازی ملی- مذهبی‌ها و نهضت آزادی در انتخابات نهم و رفتار بسیار متغیر آنان در مورد نحوه شرکت در انتخابات، بدون توضیح کافی برای بدنه خود، از زمره این مسائل است.

نکته

اینکه مردم ما در دقیقه ۹۰ تصمیم می‌گیرند، در روز انتخابات در ساعات پایانی بعدازظهر روز جمعه سر صندوق می‌روند، چندان سخن تازه‌ای نیست، اگر این ادعا تا حدی واقعیت دارد، اما همراه با مبالغه است. در شرایط غیراجماعی این حالت بیشتر مصداق دارد، در اوج گیری فعالیت انتخاباتی و ورود دیرهنگام سنتی ایرانیان در صحنه که با ویژگی انفجاری برای جبران ورود دیرهنگام خود اقدام می‌کنند سرد بودن فضای اولیه انتخابات و گرمی روزافزون به طور نسبی، نشان از واقعیت غیرقابل پیش‌بینی رفتارها در جامعه می‌دهد، در حالی که هم جامعه سنتی و هم جامعه مدرن دارای رفتاری قابل پیش‌بینی است.

خبرها

عباس عبدی: راهی برای احیای اصلاحات وجود ندارد

شرق: عباس عبدی در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز از نگاه خود به شرایط کشور سخن گفت. در گزارش گفت‌وگوی این روزنامه با عبدی آمده است: «عباس عبدی اکنون به علت مخالفت با کسانی که قدرت را در دست دارند و انتقاد از کسانی که رهبری جنبش اصلاحات را در دست داشتند، تنها است. او می‌گوید که اصلاح‌طلبان به این علت که اهدافشان درست نبود، شکست نخوردند، بلکه به این علت شکست خوردند که بیش از حد منفعل بودند و نمی‌خواستند هزینه‌ای پرداخت کنند.» در ادامه این گزارش آمده است: «مردی که آرا و عقایدش روزی شاخص و نمایه تغییر در جامعه ایران بوده است، اکنون نمایه بدبینی و نگرانی است. او در پاسخ به این سئوال که تجویز او برای احیای حرکت اصلاحات در ایران چیست پاسخ داد که هیچ راهی وجود ندارد. به اعتقاد او سیستم فعلی در ایران انعطاف‌پذیر نیست. در مورد جنبش اصلاحات نیز معتقد است که این جنبش در حال حاضر وجود ندارد.»

تجمع در دانشگاه علامه

ایسنا: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه تجمعی را در اعتراض به مسائل فرهنگی دانشگاه در این دانشکده برگزار کرد و دانشجویان با صرف ناهار در حیاط دانشکده اعتراض خود را به آنچه که محدودیت‌های اخیر فرهنگی در این دانشگاه می‌خواندند نشان دادند. در این تجمع پلاکاردهایی با عناوین: «توهین به اساتید و دانشجویان نتیجه مدیریت غیردانشگاهی» و «می‌خواهیم زندگی کنیم» به چشم می‌خورد. یکی از دانشجویان معترض نیز گفت: اعتراض ما به کنترل توهین‌آمیز پوشش از سوی نگهبانان دانشگاه و عدم صدور مجوز برای برگزاری اردو و برگزار نشدن جلسه هیات نظارت بر نشریات برای صدور مجوز به آنها است. منتظر پاسخگویی مسئولان هستیم و تا آن زمان اعتراضات خود را به نحوی پیگیری می‌کنیم.

دانشجویان در پیوند با روشنفکران

ایسنا: عبدالله مومنی سخنگوی سازمان ادوار دفتر تحکیم وحدت اظهار داشت: «دانشجویان و دانشگاهیان به دلیل ویژگی‌های خاص خود نزدیک‌ترین گروه به جریان روشنفکری هستند.» وی با این توضیح گفت: «در شرایط موجود نباید اختلافات و چالش‌ها و شکاف موجود میان روشنفکری عرفی یا سکولار و دینی را فعال کنیم، چرا که مسائل و نیازهای عمده جامعه ایران مسائل دیگری است که می‌توان مشخصاً به بحث دموکراسی و حقوق اشاره کرد.»

بهروزی: آبادگران جایگزین احزاب نمی‌شود

ایسنا: مریم بهروزی دبیر کمیته سیاسی جبهه پیروان خط امام و رهبری با یادآوری اینکه تشکل متبوعش در انتخابات شورای شهر دوم از آبادگران به عنوان تابلویی جهت پیگیری بحث عمران و آبادانی در شهرها استفاده کرد حزب آبادگران فعلی را متفاوت از آبادگران آن روزها معرفی کرد. بهروزی در بیان دلیل اینکه چرا جبهه پیروان خط امام و رهبری نتوانست با تشکلی که خود ایجاد کرده بود تعامل برقرار کند و آبادگران در انتخابات نهم ریاست جمهوری از کاندیدایی غیر از کاندیدای جبهه حمایت کرد، اظهار داشت: «مگر در انتخابات ریاست جمهوری نهم آبادگران و تشکیلاتی وجود داشت، اصولاً آنها نبودند و اگر فعالیت می‌کردند جدای از شورای هماهنگی نبود.» دبیر کمیته سیاسی جبهه پیروان خط امام و رهبری درباره پیشرفت تشکل آبادگران به سمت حزب شدن گفت: «نظر خاصی ندارم. هر کسی می‌تواند حزب داشته باشد و هر فردی می‌تواند برای خود عنوانی داشته باشد اما حزب آبادگران، آن آبادگرانی که در مقطعی مطرح شد و برای شوراها و مجلس کاندیدا معرفی کرد قطعاً این حزب آن آبادگران نیست و حزبی است مثل ۱۴ حزبی که در شورای هماهنگی هستند یعنی بخشی از شورای هماهنگی تبدیل به حزب آبادگران نمی‌شود. حزب آبادگران مثل جریان‌های جدیدی که به وجود آمده‌اند جایگزین احزاب قدیمی نمی‌شوند و برای خودشان حزب جدیدی هستند.»

انتخاب شورای مرکزی جدید انجمن دانشگاه تهران

ادوارنیوز: ۵ عضو جدید شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران انتخاب شدند. طی نشست تکمیلی شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، افراد زیر به‌عنوان افراد تکمیلی شورای مرکزی انتخاب شدند: «حسین جاودانی، عباس محمودی، فرید هاشمی، احسان استیری و احمد موسوی.»

انتخابات آزاد شوراهای دوم و شوراهای آینده

امروز: «علی تاجرنیا» رئیس هیات نظارت بر انتخابات دوره دوم شورا گفت: «هیات نظارت انتخاب شده در مجلس ششم با تکیه بر قانون و روح اسلام، اصل را بر احراز عدم صلاحیت گذاشت نه عدم احراز صلاحیت.» وی در مورد انتخابات شوراها در دوره دوم تصریح کرد: «تفاوت زیادی بین انتخابات شوراها و سایر انتخابات وجود دارد و یکی از دلایل، تفاوت نظارت مجلس بر انتخابات است.